



بررسی نقش و جایگاه وکالت دادگستری و استقلال کانون‌های وکلای دادگستری در تقویت و بهبود امنیت ملی ایران



مهدی مه‌ری

وکیل پایه یک دادگستری
بازرس هیئت‌مدیره و رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات
کانون وکلای دادگستری استان ایلام

مقدمه

امنیت و میزان آن برای همه نظام‌های سیاسی و شهروندان، صرف‌نظر از سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی و نوع ایدئولوژی مهم‌ترین و با اولویت‌ترین مسئله به شمار می‌آید. مقوله امنیت به‌مثابه یک واقعیت و آرمان، به‌عنوان یکی از حقوق اساسی مردم مطرح است. امنیت درنهایت برآیند مجموعه‌ای از تعاملات و نیز تعاون و سازگاری بین اجزای مختلف نظام اجتماعی است. بی‌تردید، هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یک جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نیست و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت امکان‌پذیر نخواهد بود (کلاه‌چیان، ۱۳۹۱).

امنیت مفهومی چندوجهی است. همچنین امنیت پدیده‌ای ادراکی و احساسی است. درواقع باید در ذهن مردم و تصمیم‌گیران این اطمینان به وجود آید که برای ادامه زندگی بدون دغدغه، امنیت لازم است. مفهوم امنیت به‌دلیل ذهنی و نسبی بودن و عدم امکان تعریف مطلق آن، ابهام‌های فراوان دارد و تعاریف آن گوناگون است (فاتحی، ۱۳۹۱). اهمیت این مقوله تا آنجاست که امروزه بسیاری از کشورهای جهان در قانون



اساسی‌شان از امنیت همانند آزادی به‌عنوان یک حق برای شهروندان خویش یاد کرده‌اند، بر اهمیت آن تأکید وافر نموده و برای تأمین آن، هر عملی را مجاز دانسته‌اند (لعل علیزاده، ۱۳۹۵).

نظام حقوقی در ایران نیز از گذشته تاکنون و با تکیه بر داشته‌های غنی خود، در حوزه بین‌الملل تعهداتی را پذیرفته است که می‌بایست در مقام عمل و در چارچوب مقررات قانونی، به آن تعهدات در رابطه با مقوله امنیت وفادار بماند. در این فرصت، قصد داریم با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و نیز با تحقیق میدانی به بررسی نقش و جایگاه وکالت دادگستری و استقلال کانون‌های وکلای دادگستری در تقویت امنیت ملی بپردازیم.

جایگاه نظری

در رابطه با مفهوم امنیت، اندیشمندان با توجه به رویکردی که به این مفهوم داشته‌اند، تعاریف متعددی از آن ارائه نموده‌اند. بیشتر نویسندگان معتقدند امنیت مفهومی مورداختلاف است. در بررسی تعاریف ارائه‌شده از امنیت، نوعی اتفاق نظر وجود دارد که به صورت تلویحی معتقد است، امنیت به معنای رهایی از تهدیدات در قبال ارزش‌های بنیادین (هم برای افراد و هم برای گروه‌ها) است.

اما درباره اینکه توجه و تمرکز اصلی باید در سطح فرد، ملی یا بین‌المللی باشد، اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد. مع الوصف با در نظر گرفتن این مؤلفه که هدف از نگارش این متن، بررسی جایگاه استقلال کانون‌های وکلای دادگستری در تقویت امنیت ملی است، تمرکز نگارنده به سطح ملی امنیت است. توضیح اینکه امنیت را به سه سطح امنیت بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی تقسیم می‌کنند. امنیت بین‌المللی بر این مبنا استوار است که امنیت یک کشور بنابر ترتیباتی که وجود دارد، به امنیت دیگر کشورهای جهان ارتباط پیدا می‌کند (کلگی و همکاران، ۱۳۸۶، ۸۲). در امنیت منطقه‌ای، منطقه به معنای شبه‌سیستم مشهود و مشخصی از روابط امنیتی بین مجموعه‌ای از دولت‌ها است که از لحاظ جغرافیایی نزدیک هم باشند (بوزان، ۱۳۸۷، ۱۱).



امنیت منطقه‌ای مبتنی بر نظریه‌ای است که در تجزیه و تحلیل مسائل امنیت بین‌الملل، سطح تحلیل منطقه‌ای را به‌عنوان چارچوب خود برگزیده و قویاً بر آن اتکا پیدا کرده است (نورمحمدی و فصیحی دولتشاهی، ۱۳۹۷، ۱۵۵). امنیت ملی بخشی از خط‌مشی حکومت است که هدفش ایجاد شرایط سیاسی ملی و بین‌المللی مناسب جهت حفاظت یا گسترش ارزش‌های ملی بنیادین و اساسی علیه مشکلات و موانع موجود و بالقوه است. مؤلفه‌های امنیت ملی شامل امنیت انسانی، امنیت اجتماعی، امنیت جامعه‌ای، امنیت اقتصادی، امنیت قضایی و امنیت فردی است (تراگر و همکاران، ۱۹۷۳، ۳۶).

در این میان، امنیت قضایی که مربوط به حقوق شهروندان و کسانی است که در قلمرو حاکمیت یک کشور هستند، با بحث حاضر ارتباط مستقیم دارد. توضیح اینکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌منظور نیل به اهداف پایه‌ای نظام حاکم، دولت موظف است همه امکانات خود را برای امور مصرح در اصل ۳ قانون اساسی به کار ببرد؛ یکی از این امور، امنیت قضایی شهروندان است که در بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌صراحت بدان اشاره شده است. در اصل ۲۲ قانون اساسی مگر در مواردی که قانون تجویز کند، حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص مصون از تعرض اعلام شده است. در اصل ۲۲، ارتباط وثیقی را میان امنیت حقوقی و امنیت قضایی شاهد هستیم. حتی می‌توان اذعان داشت که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بند ۱۴ اصل ۳ و اصل ۲۲ دو جنبه از امنیت انسانی، یعنی امنیت حقوقی و امنیت قضایی را به‌زیبایی تضمین نموده است. از این‌رو، امکان استنتاج حق‌های گوناگون شهروندان در فرآیند دادرسی در قالب امنیت قضایی فراهم می‌آید.

بعد از حق دادخواهی، یکی از این حق‌های اساسی در اصل ۳۵ مورد تأکید قرار گرفته است. در این اصل، حق داشتن وکیل به‌عنوان یکی از حقوق اساسی قبل از دیگر اصول بنیادین همچون اصل برائت، اصل قانونی بودن جرم و مجازات و غیره به‌وضوح تصریح شده است. بنابراین، از ادبیات اصل ۲۲ و نیز اصل ۳۴ و با در نظر گرفتن ترتیب



ذکر اصول موصوف، می‌توان دریافت که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران امنیت حقوقی را به‌عنوان زمینه امنیت قضایی در نظر گرفته است.

باتوجه به آنچه گفته شد، اصل ۲۲ قالب بسیار وسیعی را ارائه نموده است که در نظامی منطقی در اصول بعدی جنبه‌های گوناگون آن جلوه‌گر می‌شوند (ویژه، ۱۳۸۹، ۱۰۶). از جمله جنبه‌هایی که به‌وضوح جلوه‌گر شده است، حق داشتن وکیل به‌عنوان یک حق اساسی است که در اصل ۳۵ قانون اساسی به‌روشنی بدان تصریح شده است. جایگاه حق دارا بودن وکیل و فراهم نمودن امکانات برخورداری از معاضدت وکیل از نظر مقنن در قانون اساسی، به درجه‌ای از اهمیت بوده است که اصلی مستقل بدان اختصاص داده است. بر این پایه، به‌عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت قرار گرفتن حق داشتن وکیل و نقش وکالت دادگستری بعد از حق دادخواهی آحاد مردم و قبل از اصول براءت، قانونی بودن جرم و مجازات و غیره نشان‌دهنده جایگاه مؤثر وکالت دادگستری در مفهوم امنیت قضایی به‌عنوان مؤلفه تشکیل‌دهنده امنیت ملی در نظام حاکمیتی جمهوری اسلامی است.

بنابراین، از بعد نظری می‌توان ادعا کرد که تقویت جایگاه کانون‌های وکلای دادگستری به‌عنوان پرورش‌دهنده وکلای دادگستری سبب تقویت امنیت قضایی آحاد مردم خواهد شد که فی‌نفسه در بعد حاکمیتی تضمینی برای امنیت ملی است.

نقش عملی

در مبحث قبل، جایگاه نظری وکالت دادگستری در مفهوم امنیت بررسی خواهد شد. نظر به اینکه جایگاه نظری یک مفهوم به‌خودی‌خود نمی‌تواند در تحقق اهداف یک جامعه نقش مؤثری ایفا کند، در ادامه با تشریح روش دستیابی به نتایج پژوهش، سعی در شناسایی جایگاه عملی استقلال کانون‌های وکلای دادگستری در مفهوم امنیت خواهیم کرد. توضیح اینکه این بخش از پژوهش با اتکا به داده‌های کیفی گردآوری شده، درصدد شناسایی جایگاه استقلال کانون‌های وکلای دادگستری در مفهوم امنیت ملی است.



پژوهش حاضر که هدفی بنیادی دارد، از پارادایم تفسیرگرایی استفاده می‌کند. در این پژوهش با استفاده از معلومات جزئی و برقراری ارتباط بین آن‌ها، حکم کلی استنتاج می‌شود؛ بدین صورت که از بررسی و مشاهده رویدادها، استنباطی از تمام اعضای جامعه آماری شکل می‌دهد؛ از این رو، رویکرد پژوهش از نوع استقرایی است. راهبرد پژوهش از نوع کیفی است؛ چون این پژوهش به کمک افراد خبره مرتبط با مسئله در ایران به اجرا درآمده، پدیده‌ها در بستر زندگی واقعی آن‌ها و بدون دست‌کاری بررسی شده و به موضوعاتی دقت شده که به صورت واقعی و طبیعی رخ داده‌اند.

این پژوهش میدانی است؛ از این منظر که هدف پژوهش، اکتشاف است و داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته گردآوری شده‌اند و درصدد شکل دادن به نظریه‌ای جدید و رشد دانش در خصوص تقویت امنیت است. در این مطالعه، روش نظریه برخاسته از داده‌ها مبتنی بر طرح نظام‌یافته اشتراوس و کوربین^۱ است. بدین صورت که این تحقیق به دنبال شناسایی جایگاه استقلال کانون‌های وکلای دادگستری در امنیت ملی است.

نظریه ارائه‌شده در این پژوهش نظریه‌ای داده‌بنیاد است؛ نظریه داده‌بنیاد نوعی استراتژی پژوهشی به شمار می‌رود که در پی تدوین تئوری، از داده‌های مفهومی ریشه می‌گیرد که به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند. این نظریه در زمینه‌های مختلف به پژوهشگر امکان می‌دهد به جای اتکا بر تئوری‌های موجود، بر تدوین تئوری اقدام کند (کوربین و اشتراوس، ۲۰۱۴: ۴۸).

هدف نهایی استراتژی داده‌بنیاد، ارائه تبیین‌های جامع نظری در مورد پدیده‌ای خاص است. به‌طور کلی، این استراتژی، داده‌های به‌دست‌آمده از منابع اطلاعاتی را به مجموعه‌ای از کدها تبدیل می‌کند، کدهای مشترک را به مقوله‌ها و گاهی مقوله‌ها را به نظریه بدل می‌نماید. از آنجا که پژوهش کیفی ماهیت اکتشافی دارد، مستلزم مشارکت تعداد معدودی پاسخ‌دهنده است. استراتژی نمونه‌گیری در رویکرد کیفی از نوع نظری، به صورت گلوله برفی (زنجیره‌ای) است (سید جوادین و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹).

۱. Corbin & Strauss



در تحقیق کیفی، هنگامی جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها متوقف می‌شود که اطلاعات درباره همه دسته‌بندی‌های موردنظر اشباع شود و این امر زمانی رخ می‌دهد که نظریه یا موضوع مورد مطالعه کامل شود و اطلاعات جدیدی مرتبط با موضوع مورد مطالعه، به دست نیاید. از این رو، در پژوهش‌های کیفی، حجم نمونه را مترادف با کامل شدن داده‌ها یا اشباع داده‌ها می‌دانند (مقدم و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۱).

ملاک اندازه نمونه، کفایت تئوریک است؛ به این معنا که در مصاحبه با جامعه آماری نخبگان، شاخص یا سازه جدیدی شناسایی نشود. بنابراین، ملاک کفایت نمونه، اشباع نظری است (کوربین و اشتراوس، ۲۰۱۴: ۵۵). به این ترتیب، نمونه پژوهش کیفی حاضر متشکل از هشت نفر از قضات و وکلای دارای مدرک دکتری با سابقه بیش از ۱۵ سال فعالیت و تعداد هشت نفر از استادان دانشگاه دارای رتبه علمی دانشیار و بالاتر در گروه حقوق، و دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی دارای مدرک دکتری است که در حوزه امنیت دخیل و صاحب نظر هستند و سه نفر از فعالان عرصه‌های اجتماعی دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر و سابقه بیش از ده سال فعالیت در عرصه‌های اجتماعی، با ملاک کفایت تئوریک هستند.

کار مصاحبه میدانی با نمونه‌های پژوهش به صورت نیمه‌ساختاریافته انجام شد. انتخاب مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به این دلیل بود که علاوه بر تبادل نظرها، می‌توان بحث درباره موضوع را در راستای رسیدن به اهداف تحقیق هدایت نمود. همچنین در طول انجام مصاحبه، امکان مشاهده احساسات، باورها و اعتقادات مصاحبه‌شوندگان وجود دارد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۳).

به‌طور کلی بر اساس این معیار، جمع‌آوری داده‌ها از جامعه آماری مورد مطالعه تا جایی انجام شد که مفاهیم حالت تکراری به خود گرفت و برای محقق مسجل شد که نمونه‌گیری بیشتر، منجر به ظهور مفاهیم جدید نخواهد شد. در این پژوهش، برای جمع‌آوری اطلاعات، از روش مصاحبه با خبرگان استفاده شد. مصاحبه با طرح سؤالات اصلی برگرفته از پژوهش انجام شد. مصاحبه‌های صورت گرفته با هریک افراد شرکت‌کننده، در مدت زمانی بین ۳۰ تا ۵۰ دقیقه صورت گرفت.



همان‌گونه که ذکر شد، در این مطالعه با ۲۱ نفر مصاحبه شد؛ از مصاحبه ۱۶ به بعد تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده شد. از مصاحبه ۱۸ به بعد، داده‌ها کاملاً تکراری و به اشباع نظری رسید؛ اما برای اطمینان، تا مصاحبه ۲۱ ادامه یافت. در این پژوهش، برای بررسی کیفیت تحقیق (روایی) چهار آزمون اصلی تأییدپذیری، باورپذیری، انتقال‌پذیری و اعتمادپذیری (دانایی فرد و مظفری، ۱۳۹۷: ۳۱) انجام شد. در پژوهش حاضر، از روش توافق درون‌موضوعی (پایایی دو کدگذار) برای محاسبه پایایی مصاحبه‌ها استفاده شد. برای این منظور، از یک مدرس دانشگاه که بر موضوع پژوهش اشرف داشت، درخواست شد به‌عنوان همکار پژوهش (کدگذار) در این پژوهش مشارکت کند. سپس محقق به‌همراه همکار پژوهش، سه مصاحبه را کدگذاری و با استفاده از فرمول مربوطه، درصد توافق درون‌موضوعی به‌عنوان شاخص پایایی را محاسبه نمودند.

نحوه محاسبه درصد توافق درون‌گروهی به این صورت است که تعداد توافقات به‌دست‌آمده را در عدد ۲ ضرب می‌کنند و حاصل را بر تعداد کل کدها تقسیم می‌نمایند و حاصل کسر را در ۱۰۰ ضرب می‌نمایند. به‌منظور استخراج میزان و تعداد توافقات، پرسشنامه‌ای حاوی عناوین مضامین به‌همراه نمونه‌های کدگذاری باز در اختیار مشارکت‌کنندگان تحقیق قرار گرفته و میزان توافقات از طریق پرسش‌های گزینه‌ای تطابق زیاد، متوسط و کم، مورد سؤال واقع شد. چنانچه مشارکت‌کننده گزینه کم یا متوسط را انتخاب نماید، به‌معنای عدم توافق و در صورتی که گزینه زیاد را مشخص نماید، به‌معنای توافق است (واعظی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۴).

نتیجه محاسبه نشان داد، پایایی بین دو کدگذار برای مصاحبه‌های انجام‌گرفته در پژوهش برابر ۸۱ درصد است. بر این اساس، می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه کنونی مناسب است. اندازه معمول ضریب پایایی موردپذیرش برای اکثر تحقیقات بین ۸۰ تا ۹۰ درصد است و تحقیقاتی که ضریب پایایی آن‌ها کمتر از ۷۰ درصد باشد، برای تفسیر دستاوردهای خود و تکرار تحقیق با مشکل مواجه خواهند شد (رایف، ۱۳۹۸: ۵۳).



داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها و اسناد، بر اساس شیوه کدگذاری باز تبدیل به کدهای باز، مفاهیم و مقوله‌ها شدند. سپس بر اساس مقوله‌های به‌دست‌آمده، تفسیری درون‌موردی برای هریک ارائه شد. نتایج پژوهش نشان داد تضمین استقلال کانون وکلا به‌عنوان یک کد مجزا و البته مستقل در ذیل مفهوم نظارت جامعه‌محور قرار گرفت. تحلیل داده‌های پژوهش نشان داد که مفهوم نظارت جامعه‌محور به‌عنوان مقوله‌ای راهبردی در تقویت امنیت نقش‌آفرینی می‌نماید. بر این اساس، نتایج پژوهش حکایت از این مهم دارد که تضمین استقلال کانون‌های وکلای دادگستری به‌عنوان مؤلفه‌ای راهبردی در تقویت امنیت ملی ایفای نقش می‌کند.

نتیجه‌گیری

نگارنده در فرصت پیش‌آمده، سعی نمود جایگاه نظری و نقش عملی وکالت دادگستری و استقلال کانون‌های وکلای دادگستری در تقویت امنیت ملی را بررسی و شناسایی کند. بررسی‌های به‌عمل‌آمده نشان داد وکالت دادگستری به‌عنوان یکی از حقوق انسانی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شناسایی و پس از حق دادخواهی به‌عنوان مؤلفه‌ای از امنیت قضایی بدان تصریح شده است. پژوهش انجام‌شده با تکیه بر روش تحقیقی داده‌بنیاد، مشخص کرد تضمین استقلال کانون‌های وکلای دادگستری به‌عنوان مؤلفه‌ای راهبردی در تقویت امنیت ملی ایفای نقش می‌کند.

بر پایه یافته‌های پژوهش، می‌توان به‌منظور بهبود و توسعه امنیت قضایی که یکی از بدیهی‌ترین و مؤثرترین پایه‌های امنیت ملی است، به متولیان و مسئولان پیشنهاد کرد سعی وافری نمایند که استقلال کانون‌های وکلای دادگستری را به‌عنوان یک راهبرد اساسی در تقویت امنیت ملی تضمین نمایند. یافته‌های پژوهش نشان داد که استقلال کانون‌های وکلای دادگستری در نظارت جامعه‌محور و حصول اطمینان و اعتماد جامعه به دستگاه قضایی به‌خوبی ایفای نقش خواهد کرد. بی‌شک تقویت اعتماد عمومی به دستگاه قضایی نقشی اساسی در بهبود امنیت ملی ایفا می‌کند.



منابع

- آقایی، علی‌اکبر و حسن تیمورتاش (۱۳۸۹)، بررسی رابطه و فرآیند آسیب اجتماعی و امنیت اجتماعی، مجله پژوهش‌های علوم سیاسی، شماره ۲۲.
- اسمعیل پور، حامد و محمدجواد شریعت باقری (۱۳۹۳)، کاوش در مفهوم و جایگاه حق آزادی و امنیت شخصی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۶.
- احمدی، اصغر و قدرت‌الله خسروشاهی و باقر شاملو (۱۳۹۵)، حمایت کیفری از محیط‌زیست شهری در حقوق کیفری ایران، مجله اقتصاد شهری، شماره ۲.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۳)، تحلیل الگوی تعامل آزادی و امنیت، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۳۸.
- افشانی، سیدعلیرضا و مهناز فرقانی (۱۳۹۶)، تفاوت بین نسلی احساس امنیت اجتماعی در بین والدین و فرزندان ساکن شهر یزد، مجله تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، شماره ۷۱.
- اکبری، محسن و رضا قیاسی و سیدحسن آل طه و میلاد هوشمند چایجانی و پرویز آهی (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر استفاده ناآگاهانه از شبکه‌های اجتماعی بر امنیت اجتماعی با تعدیل‌گری درگیری ذهنی کاربران، فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال یازدهم، شماره ۱.
- پور، سمیرا و فهیمه‌سادات سعادت‌یار و فاطمه بی‌طرف (۱۳۹۳)، رضایت از پلیس و بررسی نقش عوامل مرتبط با آن در میان دانشجویان دانشگاه‌های شهر اصفهان، مجله انتظام اجتماعی، سال ششم پاییز، شماره ۳.
- جونز، ویلیام تامس (۱۳۹۴)، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه رامین، علی، ج ۲، چاپ پنجم، تهران: شرکت انتشارات عملی و فرهنگی.
- حبیب‌نژاد، سیداحمد و محمد رجبی و زهرا میرزایی (۱۳۹۵)، حمایت کیفری از حق‌های اساسی شهروندان در نظام حقوقی ایران، حقوق جزا و سیاست جنایی، دوره ۱، شماره ۱.
- دانایی‌فرد، حسن و زینب مظفری (۱۳۹۷)، ارتقای روایی و پایایی در پژوهش‌های



کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی، پژوهش‌های مدیریت، دوره اول، شماره ۱.

دانایی فرد، حسن و سیدمجتبی امامی (۱۳۹۶)، استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه پردازی داده‌بنیاد، اندیشه مدیریت، دوره دوم، شماره ۱.

راعی دهقی، مسعود و علیرضا اسدپور طهرانی (۱۳۹۸)، حکومت‌های قانون اساسی گرا: مطالعه قوانین اساسی و مفهوم آزادی‌های دوگانه، فصلنامه دولت پژوهی، شماره ۱۷.

رایف، فردریک (۱۳۹۸). تحلیل پیام‌های رسانه‌ای: کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق، ترجمه مهدخت بروجردی علوی، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.

رحمدل، منصور (۱۳۹۲)، حمایت کیفری از حقوق ملت، تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱۸.

سلیمانی پورلک، مرتضی و کیومرث کلانتری و رضا نصیری لاریمی (۱۳۹۹)،

ضرورت حمایت کیفری از حقوق مالکیت فکری با نگاهی به بنیان اخلاقی آن، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هفدهم، شماره ۴.

سیدجوادین، سیدرضا و محمد صفری و رضا راعی و محمدجواد ایروانی (۱۳۹۶)،

ارائه مدلی مفهومی برای تبیین آمادگی بانک‌های تجاری ایران به منظور پیاده‌سازی بانکداری اسلامی: به کارگیری استراتژی داده‌بنیاد. فصلنامه مدیریت بازرگانی، دوره نهم، شماره ۱.

شیدائیان، مهدی و سیدجعفر اسحاقی (۱۳۹۹)، جلوه‌های مصلحت عمومی در آیین دادرسی کیفری و چالش آن با حقوق فردی، فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۵، شماره ۱۲۰.

صالحی امیری، سیدرضا و افسر افشاری نادری (۱۳۹۶)، مبانی نظری و راهبردی

مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران، راهبرد، شماره ۵۴.

صفاری، علی (۱۳۸۴)، کیفرشناسی و توجیه کیفر، گزیده مقالات آموزشی برای ارتقای دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر، تهران انتشارات سلسبیل.

عبدالهی، محمد (۱۳۹۸)، طرح مسائل اجتماعی در ایران: اهداف و ضرورت‌ها در



مجموعه مقالات مسائلی اجتماعی ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگه و انجمن جامعه‌شناسی ایران.

علیزاده، محمد (۱۳۹۵)، بررسی و مقایسه رابطه آزادی و امنیت در اندیشه سیاسی توماس هابز و جان لاک، مجله هستی و شناختی، شماره ۲.

فرجی‌ها، محمد و علی علمداری (۱۳۹۹)، اصول حمایت‌گیری از داده در فضای سایبر؛ در پرتو اسناد بین‌المللی و نظام‌گیری ایران و آلمان، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۵، شماره ۹۱.

فقیهی، سیده فاطمه، (۱۳۹۵)، نسبت‌سنجی مفهوم آزادی و اخلاق در حکومت دینی با نگاه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فقه حکومتی، شماره ۱.

کبگانی، محمدحسن و ولی رستمی (۱۴۰۰)، تضمینات اساسی حق‌ها و آزادی‌های بنیادین: واکاوی آیین دادرسی اساسی در فرانسه و انگلستان، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۱، شماره ۲.

ویژه، محمدرضا و رضوان پویا (۱۳۹۷)، اصول بنیادین اخلاق عمومی در تحدید حقوق و آزادی‌های فردی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۲۱۳.

میرکمالی، سیدعلی‌رضا و امید سرروی سرمیدانی (۱۴۰۰)، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت از بزه‌دیدگان با تأکید بر کودکان بزه‌دیده، فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۶، شماره ۹۵.

واعظی، رضا و میثم چگینی و حسین اصلی‌پور (۱۳۹۷)، چالش‌های سیاست‌گذاری در حوزه گردشگری سلامت ایران مبتنی بر رویکرد تحلیل مضمون، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، سال سیزدهم، شماره ۴۱.

انگلیسی

Buzan, Barry; Weaver, Ole (۱۹۹۸). Liberalism and security: the contradictions of the liberal leviathan, Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers. ۹۸-۷۹pp.

Corbin, J, Strauss, A, and Strauss, A. L. (۲۰۱۴). Basics of qualitative research.



Sage Publications, Inc.

Jones, Richard W. (۱۹۹۴). Security, Strategy, and Critical Theory, London, Lynne Rienner Publications.

Hunter, E (۲۰۱۹). Class List [not equal to] Friend List. Educational Horizons, ۲۲-۲۱, (۲)۹۰. Retrieved from <http://go.gl/۲۱P۵d۸>.

